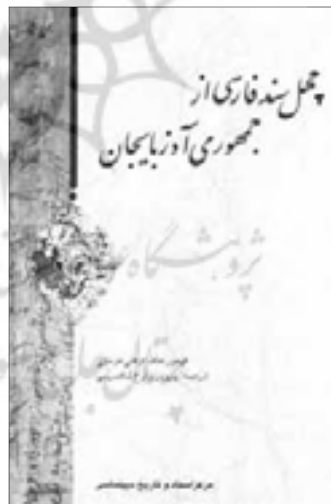


اسناد از جمهوری آذربایجان

• دکتر نصر الله پورمحمدی املشی
عضو هیأت علمی گروه تاریخ دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)



- چهل سند فارسی از جمهوری آذربایجان
- تیمور مناف اوغلی موسوی
- ترجمه‌ی پرویز زارع شاهمرسی
- تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول، ۱۳۸۷، تعداد صفحات: ۱۷۶

منطقه‌ی قفقاز به‌ویژه جغرافیای جمهوری آذربایجان در فرایند تاریخ ایران جایگاه خاصی داشته است، به‌ویژه اینکه خاندان صفوی از جمله شیخ جنید و شیخ حیدر در تقابل با شیروانشاهیان به قتل رسیدند و شاه اسماعیل صفوی، موسس سلسله صفویه، نیز در راستای پیگیری اقدامات نظامی پدر و جد خود و شاید در انتقام کشیدن از شیروانشاهیان بود که پس از تاخت و تاز در منطقه شروان و شکست شیروانشاهیان، به تصرف مناطق غربی، مرکزی و جنوبی ایران پرداخت. از این منظر تصرف منطقه فوق‌الذکر سرآغازی برای تصرف دیگر مناطق ایران شد. در طول دوران حکومت صفویه نیز این منطقه در تأمین امنیت مرزهای شمالی، و برقراری مناسبات حکومت روس با ایران و حتی در مناقشات نظامی ایران و عثمانی نیز نقش حیاتی داشته است. ضمن این‌که مرزهای طبیعی این سرزمین سد سدی در برابر حملات اقوام مهاجم شمالی‌تر در طول تاریخ به شمار آمده است. بنابراین بررسی اسناد تاریخ این منطقه، به‌ویژه تعدادی از آن‌ها که مربوط به تاریخ عصر صفوی است، اهمیت فزاینده‌ای در مطالعه‌ی تاریخ ایران دارد و در واقع متغیر مهمی در ساخت و شکل‌گیری پازل تاریخ ایران به شمار می‌رود، زیرا بدین طریق می‌توان به شناسایی و آگاهی‌های تاریخی دست یافت که در فرایند شکل‌گیری ایران عصر صفوی و متعاقب آن در بررسی تاریخی جدائی این منطقه از ایران مفید و مؤثر بوده است.

کتاب با پیشگفتاری از مترجم و متن اصلی کتاب با گفتاری درباب «اهمیت اسناد تاریخی فارسی» از مناف اوغلی آغاز می‌شود. پیش از بازنویسی اسناد توضیحاتی درباره یک اسناد ارائه شده است که در درک اسناد خالی از لطف نیستند. ضمن اینکه نوع سند، اندازه سند و محل نگهداری آن را نیز بیان کرده است. به دنبال آن ضمن بازنویسی اسناد، تصویر اسناد را ارائه می‌دهد و در قسمت پایان نمایه‌ای از اسامی خاص آمده است.

مجموعه اسناد این کتاب در سه بخش تدوین شده است: بخش اسناد مربوط به منطقه شکی؛ بخش اسناد مربوط به تاریخ شروان، موغان و اران را و بخش اسناد محال قازاخ.



آذربایجان شوروی

اسناد مربوط به منطقه‌ی شکی

سیزده سند ابتدای کتاب مربوط به منطقه‌ی شکی است. نویسنده در توضیح این اسناد، اطلاعات تاریخی نقادانه‌ای بیان کرده است که اهم آن بررسی تطبیقی گزارش‌های عالم‌آرای عباسی با کتاب «تاریخ مختصر خان‌های شکی و خان‌های شکی و تبارشان» است. به نظر می‌رسد، ضرورت داشت مترجم کتاب شرح تکمیلی بر مبنای منابع تاریخی فارسی به صورت یادداشت‌های پاورقی بیان می‌کرد و یا حتی‌المقدور تعدادی از منابع عصر صفوی را برای مطالعه‌ی بیشتر در این باره ارائه می‌کرد. چراکه توضیحات مناف اوغلی نشان می‌دهد اطلاعات کافی از منابع عصر صفوی درباب تاریخ دوره‌ی اول صفویه (یعنی از شاه اسماعیل تا آغاز حکومت شاه عباس اول) ندارد و یا از تواریخی که به کوشش محققین فارسی در دو سه دهه اخیر چاپ و منتشر شده است، مطلع نبوده است. از جمله: تاریخ سلطانی از شیخ صفی‌تاشاه صفی، نوشته‌ی سید حسن بن مرتضی حسین استرآبادی؛ ایران در روزگار شاه اسماعیل و شاه طهماسب صفوی، از امیر محمود بن خواندمیر؛ تاریخ جهان‌آرا، از احمد غفاری قزوینی؛ لب‌التواریخ، از یحیی بن عبدالطیف قزوینی، تاریخ عباسی یا روزنامه ملا جلال، از ملاجلال‌الدین منجم یزدی؛ عباسنامه، نوشته‌ی محمدطاهر وحید قزوینی؛ خلد برین، از محمد یوسف واله اصفهانی و همچنین سفرنامه‌ی پیترودلاواله و ده‌ها نوشته تاریخی و مستند دیگر. گزارش‌های تاریخی این منابع و حتی سفرنامه نشان می‌دهد که منطقه شکی نه تنها مالوجوهان و خراج سالانه به حکومت صفوی

می پرداخت بلکه حکمران آن نیز از طرف حکومت صفوی تعیین و منصوب می‌شد.

بنابراین با توجه به این‌که دفاتر اسناد دیوانی و درباری عصر صفوی چه به هنگام حمله افغانه و چه بعد از آن از بین رفته است و محققین تاریخ، امروزه از صورت نوشته‌های این اسناد دیوانی و دولتی، چنان‌که در اسناد دیوانی امپراتوری عثمانی دیده می‌شود، محروم هستند؛ دستیابی به این اسناد متفرقه از آرشیو جمهوری‌های تازه استقلال‌یافته قفقاز، می‌تواند در بازخوانی و بازسازی بهتر تاریخ ایران بسیار مهم باشد؛ به‌ویژه این‌که اطلاعات مفیدی نیز از نظر ترکیب جمعیتی منطقه، قبایل ساکن در مناطق مورد بحث و مناسبات خوانین محلی با مردم را ارائه می‌کند.

بررسی اسناد شروان موغان و اران

اسناد شماره چهارده تا بیست و یک درباره منطقه شروان و موغان و اران است. اگرچه درباره‌ی کاربرد تاریخی این اسامی و بسط و قبض جغرافیایی آن‌ها در فرایند تاریخ ایران تأملات زیادی انجام شده است و در زبان فارسی نیز تحقیقات مفیدی منتشر شده و جا داشت مترجم اشاره‌ای به کاربرد تاریخی آن‌ها می‌کرد. مانند: آذربایجان و اران، از عنایت الله رضا، و زبان فارسی در آذربایجان (مجموعه مقالات در دو جلد) و...

مجموعه اسناد این بخش مربوط به عصر صفوی است و از حقوق دیوانی و انواع مالیات‌ها یاد می‌کند که از مردم این منطقه اخذ

برای استفاده درست از کتاب، خواننده باید به مطالعه تطبیقی بخش توضیحات سند و بازخوانی اسناد بپردازد در حالی که با ارائه یادداشت‌های اصلاحی مترجم در پاورقی، می‌شد این مشکل را برطرف کرد

جمهوری آذربایجان

از آغستفا به قازاخ انتقال یافته است. این ایالت در شمال غربی آذربایجان در مرز گرجستان قرار دارد. ۲۲۰۲ کیلومتر مربع مساحت دارد. از دو شهر و یک قصبه شهر مانند و ۷۲ روستا تشکیل یافته است. محصولات عمده آن حبوبات و انگور است، فعالیت دامداری نیز در این منطقه رونق دارد.^۲

مطالعه این بخش از اسناد برای آگاهی یافتن بر مسائل اجتماعی، اقتصادی، ملکی و نظامات حقوقی این منطقه مفید است، چراکه علاوه بر انتصاب خان منطقه و یا خان طایفه، به فرار روستاییان از ظلم و بیداد خوانین منطقه اشاره دارد.

با همه اهمیتی که مطالعه این کتاب در پژوهش‌های تاریخ قفقاز دارد، خالی از اشکال نیست. اگر از بعضی از اشتباهات تایپی یا سهوی این کتاب بگذریم، موارد چندی می‌توان ذکر کرد. محقق کتاب در بخش توضیحات درباره سند شماره ۳ آورده است: «فرمان شاه تهماسب اول درباره منطقه شکی» ولی در بازنویسی تصویر آن به فارسی آمده است: «فرمان شاه صفی اول». نکته مهم‌تر این است که مترجم در بازنویسی اسناد، قرائت جدیدی از بعضی جملات به دست داده است ولی این اصلاحات را در بخش توضیحات نویسنده کتاب اصلاح نکرده است. و برای استفاده درست از کتاب، خواننده باید به مطالعه تطبیقی بخش توضیحات سند و بازخوانی اسناد بپردازد در حالی که با ارائه یادداشت‌های اصلاحی مترجم در پاورقی، می‌شد این مشکل را برطرف کرد.

پی‌نوشت:

۱- نک: شیرازی، میرزا فضل الله، تاریخ ذوالقرنین، ج ۱، تصحیح ناصر افشارفر، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰، صص ۲-۱۹۱.

می‌شد و یا از شجره حکمرانانی یاد کرده است که سابقه فرمانروایی در مناطق فوق داشته‌اند. نویسنده کتاب در باره اهمیت این بخش از اسناد آورده است: «از نظر تعیین اهالی ساکن در اراضی آذربایجان، طوایف یک‌جانشین و کوچ نشین، شناخت جوامع، گسترش و پراکندگی دامداری، کشاورزی و دیگر فعالیت‌های روستایی و درک و چگونگی رشد این فعالیت‌ها، روابط فئودالی، نظام مالیاتی و اصول اداری بسیار اهمیت دارند» (ص ۳۶).

اسناد محال قازاخ

اسناد این بخش نیمه‌ی دوم سده‌ی هیجده یعنی از سال ۱۷۴۹ تا ۱۷۹۹ م. / ۱۱۶۲ تا ۱۲۱۳ ه. ق را شامل می‌شوند که نیمه‌ی از اسناد کتاب را شامل می‌گردد و از نظر زمانی مربوط به سال‌های پایانی عصر نادر تا زمان اقدامات نظامی آقا محمد خان قاجار در منطقه است و شامل مجموعه احکامی است که توسط اراکلی دوم و گئورگی داوید دوازدهم درباره منطقه قازاخ صادر شده است و نشان می‌دهد که با کاهش قدرت حکومت مرکزی ایران در منطقه‌ی قفقاز؛ حکمران گرجستان ضمن این که دارای تمایلات تجزیه طلبانه و جدا شدن از ایران بود، تلاش می‌کرد حوزه نفوذ خود را در گستره جغرافیای وسیع‌تری در قفقاز دنبال کند و حتی می‌کوشید فرامین خود را در منطقه‌ی ترک‌نشین نیز نافذ نماید. ضمن این که امروزه بخوبی آگاهییم که اراکلی دوم، یعنی همان کسی که زمینه‌ی جدایی کامل گرجستان از ایران را فراهم آورد و از تزار روس کمک طلبید تا به استقلال سیاسی دست یابد، نه تنها طرفی از قدرت نیست؛ بلکه پس از مرگ او بین فرزندانش گرگین خان و الکساندر اختلاف افتاد و الکساندر به ایران پناه آورد و سرانجام با شرایطی که پیش آمد، حکومت تزار روس حکومت خاندان او را برانداخت و گرجستان را نیز کاملاً به روسیه الحاق نمود.^۱

قازاخ منطقه‌ای ترک‌نشین بوده و در سال ۱۹۵۹ مرکز این استان

2 - http://www.qazax.Tk.